

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده هنر
گروه صنایع دستی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته صنایع دستی

عنوان

جلوه های بصری اسناد مذهب دوره قاجار
با تکیه بر بیست سند

استاد راهنما

جناب آقای دکتر سید حسن شهرستانی

دانشجو

غزاله عزیزی

مهر ماه ۱۳۸۸

فرم نمبره دهی

نگارنده بر خود می‌داند که از زحمات بی دریغ،
تلاش‌های بی‌وقفه و راهنمایی‌های ارزشمند
استاد گرامی جناب آقای دکتر شهرستانی
در راستای انجام این پروژه تشکر و قدردانی نماید.

تقدیم به همسر مهربانم که

همواره حامی من بوده‌اند.

جلوه های بصری اسناد مذهب دوره قاجار

با تکیه بر بیست سند

چکیده

در این تحقیق به بررسی اسناد ملی ایران از نظر بصری پرداخته شده است که در فصل اول با نگاهی گذرا مختصری از تاریخ دوران قاجار و سیاست های شاهان این دوره وهمچنین جنبش مشروطه و در فصل دوم توضیحاتی چند درباره انواع اسناد تاریخی آورده شده است . در فصل های بعد نخست به ترکیب تنظیم اسناد در دوره قاجار و توضیحاتی در مورد عناصری مانند لفظ جلاله ، توقیع ، طغرا ، توشیح ، مهر و محل قرار گرفتن آنها در اسناد و سپس به بررسی بیست سند با در نظر گرفتن جنبه های بصری آن ها که دارای جذابیت های خاصی بوده و از نظر هنر های خطاطی ، تذهیب ، جدول کشی و... در خور مطالعه می باشند پرداخته شده است . در اسناد ذکر شده تزیینات تا حدودی با متن سند مرتبط بوده و اجزایی مانند رنگبندی ، ترکیب بندی و سایر شاخص های بصری مورد مقایسه قرار گرفته اند .

فهرست موضوعات

صفحه	موضوع
۱	مقدمه
۲	مختصری در ارتباط با زیبایی شناسی و تجلی آن در اسناد دوره قاجار
۶	تاریخ عصر قاجار
۲۹	تقسیم بندی اسناد تاریخی
۳۹	ترکیبات اسناد
۶۴	جلوه های بصری اسناد
۱۰۶	نتیجه گیری
۱۰۷	فهرست منابع و ماخذ
۱۰۹	فهرست منابع تصویری
۱۱۰	فهرست تصاویر
۱۱۵	چکیده انگلیسی

اسناد ملی که پشتوانه های تاریخی هر ملت به شمار می روند از جنبه های گوناگون سیاسی ، اقتصادی ، روابط بین الملل و ... اهمیت به سزایی داشته و در تمامی جوامع با دقت ، نگهداری شده و بر روی آنها مطالعات بسیاری انجام شده و می شود ، اما جنبه ای که شاید کمتر به آن پرداخته اند همان ارزش بصری اسناد می باشد که گاه آنچنان برجسته است و در نگاه اول جلب نظر می نماید که این اسناد را می توان تنها به عنوان یک اثر هنری در نظر گرفت و از زیبایی های آنان سخن ها راند .

در این تحقیق سعی می شود تا بر این زیبایی ها تکیه شود و از جهات گوناگون مانند ترکیب بندی ، رنگبندی ، نقوش ، خط کتابت سند و مانند اینها مورد بررسی قرار گیرند .

دوران قاجار که در اینجا به آن پرداخته می شود شاید هم از این نظر که نقطه پایانی بر رواج این اسناد مذهب به شمار می رود و هم از نظر زیبایی و نفاست این اسناد، متمایز باشد . هرچند که شاید از دید بسیاری از صاحب نظران، اسناد سایر دوره های تاریخی نیز از حیث زیبایی شناختی چیزی از اسناد دوره قاجار کم نداشته باشند .

مختصری در ارتباط با زیبایی شناسی و تجلی آن در اسناد دوره قاجار

شاید آغاز توجه به مسئله زیبایی را بتوان به افلاطون نسبت داد که می گوید: "روح انسان در عالم مجردات پیش از ورود به دنیا حقیقت زیبایی و حسن مطلق خیر را بی پرده و حجاب دیده است، پس در این دنیا چون حسن ظاهری و مجازی را می بیند، از آن زیبایی مطلق که پیش از این درک نموده است یاد می کند و هوای عشق به او دست می دهد، فریفته جمال می شود و مانند مرغی در قفس می خواهد به سوی او پرواز کند. او زیبایی های محسوس عالم طبیعت را سایه و رمزی از زیبایی مطلق می داند که نمی تواند اشباع کننده حس زیبایی جویی انسان ها باشد." در این زمینه هنرمند اسلامی نیز با انتخاب هنر های تجریدی و غیر عینی به دنبال تصویر نمودن همان عالم نا محسوسی است که در اسلام از آن به عنوان عالم ملکوت یاد می شود. گل و برگ ها در نگارگری و تذهیب استنباط هنرمند از گل و برگ های بهشتی است که در ذهن او ست و وی به دنبال بازنمایی آنچه با حواس قابل درک است نمی باشد.

هگل نیز مطلب افلاطون در مورد زیبایی را می پذیرد با این تفاوت که افلاطون هر نوعی از زیبایی را سایه یا نشان دهنده یک مثال یا همان ایده معقول ماورای طبیعی که جمع آن مثل است می داند، در صورتی که هگل همه زیبایی ها را نشان دهنده یک مثال یا ایده معقول کلی می داند. هگل در این باره می گوید: "تابش مطلق یا مثال از پس حجاب جهان محسوسات، زیبایی نام دارد. لازمه مفهوم زیبایی آنست که عین یا موضوع آن محسوس باشد، یعنی چیزی واقعی باشد که به حواس درآید، مانند تندیس یا ساختمان یا آهنگ موسیقایی، یا همانند صورت ذهنی چیزی محسوس مانند آنچه در شعر آفریده می شود. زیبایی نمی تواند امری تجریدی و انتزاعی باشد چرا که عین زیبا خود را بر حواس ما

عرضه می کند و بر ذهن و روح هم تاثیر می گذارد و این هنگامی است که ذهن پرتو مثال یا همان ایده را از خلال آن در می یابد . در اینجا هم عملکرد هنرمند اسلامی با این نظریه نیز هماهنگی دارد ، چرا که تحت تعلیمات مذهبی و طی نمودن مراحل آموزشی و معنوی برای رسیدن از شاگردی به استادی سعی در آماده سازی ذهن خود برای بهره گیری از تابش هایی دارد که از عالم بالا بر عالم محسوسات می تابند تا اثری زیبا خلق نماید .

منابع اولیه اسلامی هر دو نوع زیبایی را مورد نظر قرار داده است : زیبایی موجود در جهان هستی و زیبایی به وجود آمده توسط تفکر و دست ادمی . به این معنی که هم پدیده هایی که بدون اختیار ما در سطح جهان هستی زیبا هستند و هم پدیده هایی که با فکر و کوشش انسان به عنوان مظاهر زیبایی به وجود آمده اند ، مطرح هستند . ولی چگونگی ارتباط قطب ذاتی زیبایی را با پدیده های زیبا به سادگی برگزار نمی نماید ، بلکه تنوع ابعاد این پدیده بسیار مهم را گوشزد نموده و حکمت وجود آن در هستی و راههای بهره مندی از آن را مورد توجه شدید قرار می دهد .

از این دیدگاه نمود هنر تلاقی روح بزرگ هنرمند است با ارواح انسانهایی که مخاطب اثر هنری او هستند و این تلاقی باید هم برای هنرمند مفید باشد و هم برای مخاطبین . فایده هنر برای هنرمند به رشد و کمال رسیدن انسانها بعد از تلاقی با اثر هنری وی می باشد هر مخاطب در برخورد با اثر هنری به درجه ای از کمال می رسد که در خود هنرمند نیز اثر خواهد نمود و به همین دلیل تمامی استعداد های مغزی و اعماق سطوح روح خود را به کار خواهد گرفت تا انگیزه تحول به رشد و کمال را به انسانهایی که خود یکی از آنهاست ، ارائه نماید .

از نظر اسلام، هنر الهی بیش از هر چیز تجلی وحدت الهی در جمال و نظم عالم است. وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن انعکاس می یابد، جمال بالنفسه حاوی همه این جهات است و استنتاج وحدت از جمال عالم عین حکمت است. بدین جهت تفکر اسلامی میان هنر و حکمت ضرورتاً^۱ پیوندی می بیند. از دیدگاه مسلمان هنر اساساً^۲ بر حکمت یا علم مبتنی است که علم هم چیزی جز ودیعه صورت بسته و بیان شده حکمت نیست.^۱ در حقیقت از این دیدگاه هنر اسلامی تجربه ای زیبا شناختی و غیر شخصی از وحدت و کثرت های جهان است که در این تجربه کلیه کثرت ها در حوزه نظم بدیع به وحدت تبدیل می شوند. در این تعریف، هنر اسلامی به نحوی است که می تواند جهان را روشنایی و صفا بخشد و به انسانها یاری رساند که از کثرت تشویش ها بگریزند و بگذرند و به آرامش روشن و مصفای وحدت بیکران بازگردند. در عین حال بر حسب قاعده ای هر چیز به جای خویش قرار می گیرد و این قاعده در هنر اسلامی بدین معناست که هر گونه آفرینش هنری باید بر حسب قوانین محدوده وجودی خاص همان آفرینش بررسی شود و همان قوانین را قابل فهم و تعقل سازد. اینجا همه چیز زیر چتر احدیت اعلاء جای می گیرد. برای مثال هنرمند مسلمان در معماری و نقوش اسلیمی معتقد است باید تعادل و ایستایی و حالت کمال اجسام را متجلی سازد. هنر اسلامی مبتنی بر معرفتی است که که خود سرشت معنوی و روحانی دارد.^۲ سامان یافتن اسلیمی ها و ختایی ها و نقوش رمزی تأویل یا معرفتی بر اساس اعتقادات اسلامی ارائه می دهند و از عالم محسوس به عالم ملکوت راه می نمایند. در اینجا هنرمند برای اینکه تمامی عناصر تصویری خود را با نظمی کائناتی ارائه دهد، یا بدون مرکزیت تصاویر را در تسخیر و تبدیلی منظم و متقارن جلوه گر می سازند

^۱ - بورکهارت، تیتوس؛ هنر مقدس؛ ص ۱۲؛ ترجمه جلال ستاری؛ انتشارات سروش؛ تهران؛ سال ۱۳۶۹.

^۲ - نصر، سید حسین؛ هنر و معنویت اسلامی؛ ص ۱۸.

و آهنگ و وزنی یکنواخت بدان می بخشد و یا به صورت عناصر تصویری متقارن که به گرد مرکز یعنی مبدأ و منشأ هستی در گردش و جریانند، عناصر را به هم تبدیل می کنند.

قرآن کریم با منظره پردازی از طریق عباراتی همچون دارالخلود: سرا و خانه آرامش و جاودانگی و دارالسلام: خانه سلام و سرایی که در آن لغو و بیهوده نیست و سایه و افتابی نیست، سرایی که در باغهایش درختان برافراشته مؤمنین را در پناه خود گرفته و مأوا بخشیده است ورستگاران در آنجا به خوشی روزگار به سر می برند، مرتبط می گردد. این گونه تصاویر به مرور ایام آنچنان آرامشی را در ذهن هنرمند جایگزین می نمایند که پس از عبور از سطوح ذهنی و روحی او، نهادینه شده و سپس به ترسیم و تجسم در می آیند.

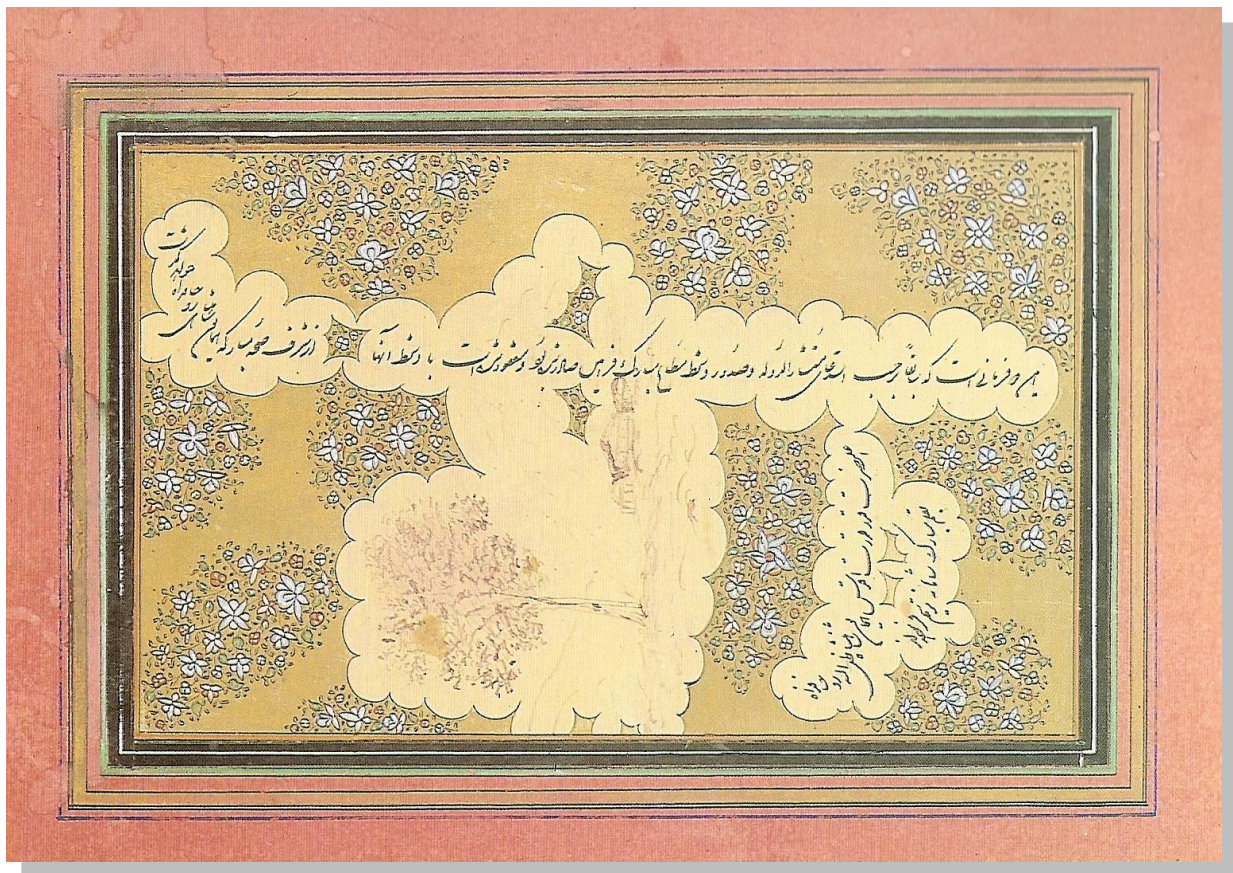
تجلی نگاه آرمانی هنرمندان در انواع آفرینش های هنری و ادبی تبلور می یابد و همانگونه که در اسناد مذهب می بینیم، اوج این تجلی و مصداق بارزی بر حضور تمامی این جلوه های زیبای معنوی در هر یک از این آثار هنری که در قالب یک سند عصر قاجار گرد هم آمده اند، نمایان است. هر یک از وجوه این اسناد نشانگر زیبایی راستین هر یک از هنرهای خوشنویسی (در متن سند)، نگارگری و حکاکی (در مهرسازی)، تذهیب و نگارگری (در حاشیه ها) و انواع ترکیب بندی های هنرمندانه (در ساختار کلی سند) می باشند که نتیجه تکامل ذهن هنرمندانی است که همه را در یک سند اجرا نموده اند و امری تجربیدی را عینیت بخشیده اند تا مخاطب خود را نیز به کمال رهنمون شوند.

عصر قاجار

تاریخ عصر قاجار به دلیل مرحله حساسی از تاریخ ایران ، دوره گذار از مسیر سنتی به جانب دوره اصلاحات اداری ، دوره تغییرات سیاسی ایران ، قرار گرفتن بین رقابت های سیاسی کشورهای بزرگ زمان مانند روسیه و انگلیس در وهله اول ، تغییرات مرزی در عصر قاجار و از دست دادن نواحی مختلف ایران در مرزهای شرقی ، غربی و شمال غربی ایران ، تغییرات سیاسی در داخل کشور مانند حرکت مشروطه و نیز پایان یافتن حکومت خاندان قاجار و تغییرات سیاسی در خارج از مرزهای ایران مانند جنگ جهانی اول و تأثیرات آن بر مسائل داخلی ایران ، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است.

عصر قاجار یکی از شگفت انگیز ترین دوره های تاریخ ایران است. تحولات مختلف، دگرگونیهای سیاسی و تغییرات اجتماعی که در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری بر کشور ایران گذشته است، ویژگی خاصی به ساختار اجتماعی عصر قاجار داده است.

پس از مرگ کریم خان (۱۱۹۳ ق / ۱۷۷۹ م) و دوران بحرانی حکومت جانشینان وی ، آغا محمد خان ، مؤسس سلسله قاجار در صحنه سیاسی ایران ظاهر شد . دوره کوتاه قدرت وی صرف ایجاد آرامش و تثبیت قدرتی واحد درون مرزهای داخلی ایران و نواحی سرحدی گردید . جانشین وی فتحعلی شاه در رهبری نظامی کشور قدرت کمتری داشت.

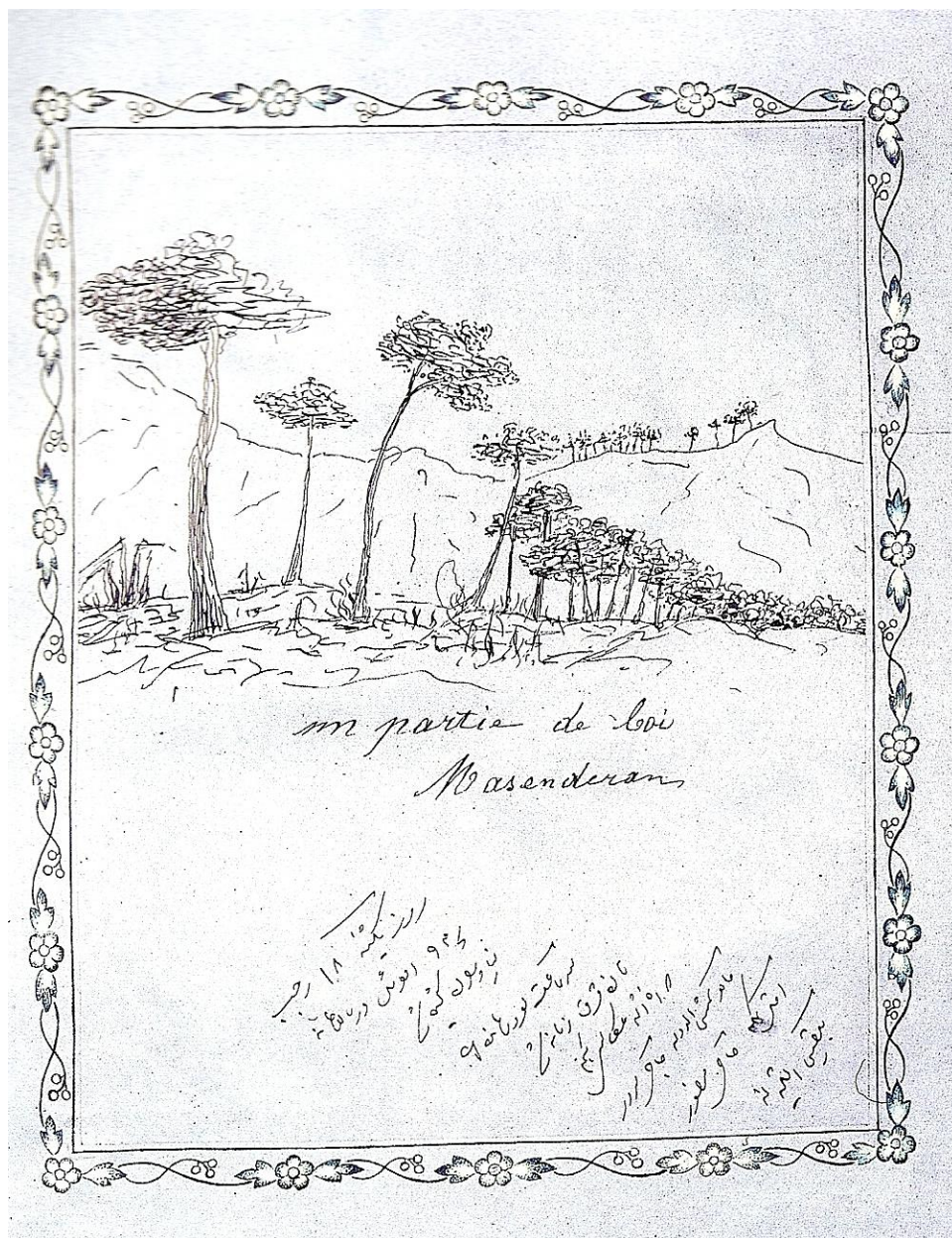


تصویر شماره یک : نمونه نقاشی ناصرالدین شاه . (۲۰ در ۱۳ سانتی متر)



تصویر شماره دو : نمونه نقاشی ناصرالدین شاه . (۱۹.۵ در ۱۵ سانتی متر)

برخوردهای سیاسی و تماس های بازرگانی عصر وی به رویدادهای متعددی انجامید که سرانجام با وضوح بیشتری دولت های انگلیس ، روسیه و فرانسه را وارد صحنه سیاسی ایران کرد .مسائل سرزمین های مجاور ، جنگ های ایران و روس و فتوحات ناپلئون در شرق ، زمینه بسیاری از فعالیت های کشور های خارجی در ایران را تشکیل می داد. در دوران حکومت محمد شاه و صدارت کوتاه قائم مقام فراهانی سعی شد تا سیاست دیگری در ایران دنبال گردد ، اما نهایتاً به دامنه نفوذ سیاسی - اقتصادی دیگر کشورهای بزرگ در ایران افزوده شد . حکومت طولانی ناصرالدین شاه شاید می توانست در حیات اجتماعی ایران تغییرات اساسی به وجود آورد اما عصر ناصری بعدها به عنوان " عصر امتیازات " به دولت های خارجی نامیده شد و همین موضوع باعث بسیاری از مبارزات سیاسی گشت که نمونه آن مبارزات پیرو امتیاز تنباکو بود. از دیگر ویژگی های آن عصر تغییر در سازمان ها و نهادهای اجتماعی ایران به علت تماس بیشتر با تشکیلات اداری دیگر کشورها بود. در عصر مظفرالدین شاه نیز به سبب تداوم نفوذ کشورهای بزرگ از قدرت دولت مرکزی ایران کاسته شد. حرکت های مشروطیت شاید می توانست تغییرات سیاسی و تحولات اجتماعی را به دنبال داشته باشد ، اما به سرعت مسیر دیگری یافت و با حکومت محمد علی شاه و به دنبال آن احمد شاه - آخرین شاه قاجار - ایران در صحنه بین المللی دیگر از قدرتی برخوردار نبود ، به ویژه که جنگ جهانی اول و به نوعی اشغال ایران ، بی ثباتی سیاسی و سقوط حکومت قاجار را به دنبال داشت .



تصویر شماره سه : نمونه نقاشی ناصرالدین شاه و دستخط وی . (۲۰ در ۱۹ سانتی متر)

ساختار حکومت در دوره قاجار

نظام حکومت در دوران قاجار دنباله نظام استبدادی دوران گذشته بود و دارای همان ماهیت و ویژگی هایی بود که با مختصر تفاوتی طی دوره های مختلف تاریخی در رژیم سلطنت ایران دیده می شد. شاه ظل السلطان، شاهنشاه یا شاه شاهان، قبله عالم، جم جاه، انجم سپاه، قدر قدرت و ملک صولت و مالک جان و ناموس رعایا محسوب می شد.

"... و چون تمامی قوای حکومت در دست پادشاه است، پس تمام ترقیات دولت و ملت بسته به میل اوست و پادشاه سرچشمه تمام اقتدارات است و تمام مناسبات دولتی متعلق به وی و تحت نظر اوست. پادشاه همچین رئیس تمام ادارات دولتی است، مثلاً" در اداره جنگ یا عسگریه، سرداری قشون بری و بحری متعلق به شخص اوست و تعیین عده قشون و مأمور کردن سرداران و سرکاران و صاحب منصبان و ساختن قلعه جات و معابر نظامی و تهیه ملزومات جنگی و غیره به میل و حکم اوست و در ادارات مالیه ملزومات مالیه و وصول مالیات و به خرج رسانیدن برای مصارف دولت و ساختن کتابچه دخل و محاسبات بر عهده اوست و تمام مداخل عایدی دولت در تصرف و اختیار اوست و نیز اداره عدلیه و کلیتاً" تمام ادارات در ریاست و نظارت پادشاهند و نیز پادشاه از حالت روحانیه ملت و صنایع و علوم و فواید عامه مواظب است و تمام مأمورین و ارکان و رجال دولت از جانب او انتخاب و معین می شوند..."^۳

^۳ - میرزا جعفر خان مشیر الدوله، طرز حکومت ایران و زمان استبداد، نسخه عکسی شماره ۶۷۲۳، کتابخانه مرکزی تهران.